

رؤسای جمهور آمریکا در گذشته علیه ایران به زور متوسل شدند که به موجب منشور ملل متحد از آن منع شده بودند. از طرفی، ادبیاتی که کمیسیون حقوق بین‌الملل وضع کرده، اصول و هنجارهایی به نظم درآورده که ترور شهید قاسم سلیمانی را به عنوان یک جرم مرتکب شده به دست یک دولت بیگانه تلقی می‌کند. گزارشگر خاص کمیسیون حقوق بین‌الملل این مطلب را مطرح کرده که «اعمال ارتكابی یک دولت که موجب نقض حقوق بین‌الملل شود، مسئولیت بین‌المللی دارد»؛ از این رو، مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا درباره ترور شهید سلیمانی مطرح است. این جرایم ماهیتی سیاسی دارند و در واقع، به شیوه‌ای خطرناک حفظ صلح و ثبات را به خطر می‌اندازند. این اقدام آمریکا جنایت علیه بشریت و جنایت علیه صلح و امنیت بین‌المللی است (عسگرخانی، ۱۳۹۹ب).

عسگرخانی بر این باور بود که ایالات متحده برخلاف دوران گذشته دیگر نمی‌تواند پاسخی قوی به کشورهایمانند ایران بدهد؛ از این رو، به تمام ظرفیت‌های قدرت روی آورده و این بخشی از بازی قدرت آن است که ایران را از کسب قدرت بازدارد و انقلاب اسلامی را مهار کند. به نظر وی، ایران قدرتی فراتر از منطقه دارد و این قدرت قابل ملاحظه است. از طرفی، چون آمریکا در موقعیت جنگ با ایران نیست، به ترور روی می‌آورد. به نظر وی، ترور یعنی ایجاد وحشت و تضعیف روحیه ملت. هدف آن‌ها از ترور این است که با ایجاد وحشت و آشوب اعتماد مردم به نظام را تضعیف کنند و برای همین است که ترور ناشی از ضعف عملیات کشور متخاصم است (عسگرخانی، ۱۳۹۹الف).

بعد از آنکه جنگ قوانین و قدرت نرم را شروع کردند و در هیچ‌یک نتوانستند ما را شکست دهند، و پس از اینکه در این سال‌ها کشور توانست روی پای خود بایستد، حالا که جنگ نتیجه نداده، دست به ترور می‌زنند

